

مصاحبه با یک قاچاقچی بشکنه این دست که نمک نثاره

در خبرها داشتیم دادستان بندرعباس از کشف قاچاق سازمان یافته ۲ میلیون لیتری سوخت از دل یکی از جایگاه‌های عرضه سوخت بندرعباس خبر داد. سعی کردیم با متهم این پرونده گفت‌وگو کنیم که نشد. برای همین با یک قاچاقچی دیگر سوخت صحبت کردیم که خودش این کاره بود.



کارتون: محمدعلی رحیمی

خیرات کنی؟

● دم شما گرم که قدر ما رو می‌دونین. نگاه کنین، باجناغم، اکبرآقا، توی یک پمپ بنزین کار می‌کنه. هرچند می‌گن گلابی میوه نمی‌شه، ساینا ماشین نمی‌شه، باجناغ هم فامیل، ولی ما دوتا واقعا عین دور و درو بدنییم! از برادر به همدیگه نزدیک‌تریم. خلاصه اکبرآقا هماهنگ کرده بود که شبانه ما بشکه ببریم و به اندازه نیازمون بنزین و گازوئیل از پمپ بنزین.

صاحب پمپ بنزین متوجه نشده بود؟

● چرا، اتفاقا دست بر قضا خیلی شانس، صاحب پمپ هم پسر خاله اکبرآقا از کار دراومد. برای همین مشکلی نداشتیم. فقط یه مقداری غرغر کرد که خب از خجالتش دراومدیم. همون طور که قبلا گفته بودم، ما آدم‌های شریفی هستیم و زحمت دیگران رو بی جواب نمی‌ذاریم.

دست شما درد نکته که این قدر به فکر

دیگران هستی. حالا چطوری می‌خواستی این تانکرها رو بدی به مستمندای اون طرف مرز؟ ● می‌گن نیت آدم باید پاک باشه، همه کارها

خودت رو معرفی کن.

● با سلام خدمت شما و خواننده‌های خوب روزنامه‌تون. به من می‌گن قاچاقچی، ولی قبول ندارم. من یه مقداری سوخت از پمپ بنزین گرفته بودم که ببرم باغ آتیش درست کنم. از شانس گندم، همون جا دستگیرم کردن.

چه مقداری؟

● یکی دو میلیون لیتر بنزین، دوسه میلیون لیتر هم گازوئیل، ناقابل.

با این چند میلیون لیتر می‌خواستی آتیش درست کنی؟

● با همه‌ش که نه، بقیه رو دیدم اضافه اومده، می‌خواستم بدم به مستحق که اون ور مرز بنزین و گازوئیل نداره. اصلا باید از من قدردانی کنین به خاطر این حس انسان دوستانه‌ای که دارم.

بله، دست شما درد نکته، به موقع

قدردانی هم می‌کنن. حالا برامون توضیح بده که چطوری این همه سوخت رو گرفته بودی که

خودش جور می‌شه. ما هم چون قصد خیر داشتیم، همه چیز حل شد. لب مرز چندتا آشنا پیدا کردیم و تانکرا رو رد کردیم. از این طرف هم لب دریا چند نفر همکاری کردن و بقیه‌ش رو هم از جنوب دادیم بره به دست مستحقش برسه.

چی شد که گیر افتادین و دستگیر شدین؟

● دستگیر شدن چیه مرد حسابی؟ مگه ما کار خلاف کردیم؟ اشتباه ما این بود که روی وفاداری همکارامون حساب کرده بودیم. از پس صاف و ساده‌ایم، فکر می‌کنیم بقیه هم مثل خودمون عین کف دست و آینه هستن. بشکنه این دست که نمک نداره...

صحبتی برای خواننده‌های پلخمون داری؟

● البته بنده کوچک تراز اونی‌ام که صحبتی داشته باشم، ولی از من به شما نصیحت که همیشه به دیگران کمک کنین، هوای مردم رو داشته باشین و با افراد دلسوز و مطمئن کار کنین. بفرمایین یک جای دیش در خدمت باشیم.



بی توجهی به آداب معاشرت

بریدن وسط حرف دیگران، جواب ندادن به پیام‌ها و خندیدن یک نفره به شوخی‌هایی که فقط خودتان فهمیده‌اید، نه تنها نشانه خاص بودن نیست، بلکه باعث می‌شود بقیه حس کنند با مودم دایال آپ طرف اند که هر لحظه ممکن است قطع شود.



استوری‌های پر ادعا

نوشتن جمله‌هایی از نیچه، آن هم روی عکس فوم لاته، نه نیچه را روشن فکرتر می‌کند، نه شما را. تنها نتیجه‌اش این است که نیچه درگور غلت می‌زند و لاته‌تان سرد می‌شود!



پوشش عجیب و غریب

اگر با شلوار پاره، عینک آفتابی در تاریکی، و پیراهنی که تا ناف باز است وارد جمع می‌شوید، این نشان از جسارت شما نیست، بلکه اثبات می‌کند در کشوی لباس‌هایتان زلزله آمده است یا قوه تشخیص‌تان را از دست داده‌اید.